

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد اکبر قریشی
۲۸ دسمبر ۲۰۲۴



استاد اکبر قریشی

برده های فراری سوسیال امپریالیسم شوروی در ۶ جدی وارد کابل شدند!



در طول دوران صدارت داوود خان ارتباط با شوروی و روان نمودن آنها به شوروی آنوقت بستری شد برای وطنفروشان وابسته به روس تا در ارودی شاهی نفوذ مؤثر نمایند که کردند زمان جمهوری داوود خان خلقی ها و

پرچمی ها به علاوه نفوذ در وزارت دفاع و اردو و نفوذ در استخبارات حتا در برخی از ادارات ملکی به خصوص وزارت داخله به مثابه ولسوال تقریباً اداره برخی مناطق را در دست گرفتند.

در همان زمان تنها مشکل شوروی ها در افغانستان اختلافات درونی بین دو جناح مزدور شان یعنی خلق و پرچم بود. آنها این اختلافات را در ظاهر با میانجیگری حزب کمونیست وابسته به شوروی عراق مگر در واقع اعمال فشار ک. ج. ب. گویا از بین برداشته و "وحدت میکانیکی" را تأمین نمودند. تأمین این وحدت در واقع آخرین گام تدارکاتی بود که روسها جهت نابودی رژیم داوود برداشتند. امری که داوود روی هر دلیلی که بود کمترین توجهی نسبت به آن نشان نداد و در غفلت کامل آماج کودتای خونبار نوکران روس در ۷ ثور ۱۳۵۷ قرار گرفت.

این که در نتیجه کودتای خونباری داوود و تمام خانواده اش اعم از زنان و اطفال نیز به قتل رسیدند در واقع سرآغازی گردید برای حدود نیم قرن (۴۷ سال و اندی) جنایت و کشتار که در تمام این مدت بیشترین قربانی را از مردم ما گرفته و هنوز هم معلوم نیست که تا کجا ادامه می یابد.

ماشین جنایت و کشتاری را که غلامان سرسپرده روس در افغانستان به وجود آورده بودند نه تنها به کشتار فرزندان راستین کشور و توده های میلیونی ما چرخ آن می گردید بلکه در اثر همان (وحدت میکانیکی) شب فردای رسیدن به قدرت، دوباند به جان یک دیگر افتاده، اگر یکی یعنی خلقی ها در داخل کشور به کشتار مردم اشتغال داشتند، فراری های آن یعنی پرچمی ها، در کمال بی شرمی به صورت آشکار و عریان دارائی متعلق به کشور افغانستان را در خارج از کشور به حراج گذاشته با فروش آن ها سنگ تهداب غارتگری را نیز در کنار جنایت پیشگی در چنان مقیاسی گذاشتند.

شورویها که با به زیر کشیدن داوود فکر می کردند بر افغانستان چیره و غالب شده اند وقتی متوجه مقاومت مردم افغانستان و در پیشاپیش آن فرزندان راستین خلق گردیدند، با گسیل ارتشی که تعداد به بیش از ۱۲۰ هزار نفر و تمام امکانات جنگی و تخریبی می رسید، کفتاران خلقی خود(باند های وابسته به تره کی و امین) را از قدرت برکنار نموده گرگان دهن دریده پرچمی را زیر قیادت گرگ پیری در لباس یک رویاه مکار به قدرت رسانیدند (۶ جدی ۱۳۵۸)

با روی کار آوردن رویاه مکار(ببرک کارمل) و باندش، شوروی ها عملاً کشور ما را اشغال و به مستعمره خویش مبدل نمودند آنچه در آن میان اوج بی حیائی و دیده درائی باند "ببرک" را به نمایش گذاشت روی کار آوردن تمام غارتگرانی بود که در زمان رقبای شان، داروندار افغانستان در خارج کشور تاراج نموده بودند.

در تمام این مدت نه تنها جنایت و آدمکش که غلامان روس آغاز نموده بودند دوام یافته بلکه بی بی حیائی و دیده درائی پرچمی ها نیز به صورت یک سیستم دوام یافته است. یعنی آن غلامان و نوکران زرخرد شوروی معدوم نه از کشتاری که به راه انداختند شرم دارند و نه هم از غارتگری های شان. اینها واقعاً همان هائی اند که "درخت را سایه سر" خود می دانند.